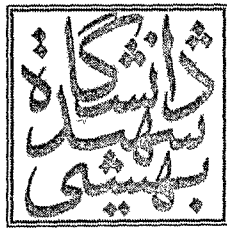


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



توسعه سیاسی و نگرش نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران
۱۳۵۷-۱۳۸۶

پایان نامه ارائه شده به گروه علوم سیاسی
دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی
دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت درجه دکتری
در رشته علوم سیاسی (مسائل ایران)

توسط:

حسین معین آبادی

استاد راهنما:

دکتر سید علیرضا ازغندی

شهریور ماه ۱۳۸۶

۱۰۴۷۸۸

کتابخانه
دانشگاه شهید بهشتی

۱۳۸۶ / ۱۸ / ۲۷

تقدیم به :

تمامی ایراندوستانی که برای اعتلای ایران تلاش می کنند. آنانی که
جان بر سر این راه نهادند و آنهایی که همچون شهیدان زنده غیورانه
مجاهدت می ورزند .

برگ تاییدیه پایان نامه

عنوان پایان نامه:

توسعه سیاسی و نگرش نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران

۱۳۵۷-۱۳۸۶

نام دانشجو: حسین معین آبادی

دوره: دکترای علوم سیاسی

این پایان نامه در جلسه ۱۳/۱۳۸۶ با نمره ۱۹ و درجه عالی مورد تایید اعضای کمیته پایان نامه، متشکل از استادان ذیل، قرار گرفت:

دکتر سید علیرضا ازغندی

استاد راهنما

امضاء

دکتر سید عبدالعلی قوام

استاد مشاور

امضاء

دکتر محمد باقر حشمت زاده

استاد مشاور

امضاء



اذعان

مطالب ارائه شده در این پایان نامه توسط اینجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی تیرماه ۱۳۸۴ تا شهریورماه ۱۳۸۶ به انجام رسیده است. به استثنای کمک های اشاره شده در سپاسگزاری ، محتوای این پایان نامه به طور کامل توسط اینجانب صورت گرفته است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرکی به این دانشگاه یا دیگر دانشگاهها ارائه نشده است.

حسین معین آبادی

شهریورماه ۱۳۸۶

امضاء



تقدیر و تشکر

این مجموعه اگر چه به نام مؤلف ثبت شده است ولی افراد زیادی تلاش کردند تا این کار عملی شود. در ابتدا باید از تلاش استاد راهنما جناب آقای دکتر ازغندی تقدیر شود که با راهنمایی و نقد به جا، راه پرصعبی را هموار ساختند. جناب آقای دکتر قوام و دکتر حشمت زاده به عنوان مشاورین طرح، ساعات زیادی را صرف کردند تا شاکله و استخوان بندی پژوهش حاضر شکل بگیرد. بی شک این سه اندیشمند نقش تأسیسی را داشتند و ساختار علمی طرح مرهون زحمات آنان است. اگر نبود تلاش آنان، اعتبار علمی پژوهش با نواقص زیادی روبرو بود.

نقدهای به جا و توصیه های خردمندانه داوران طرح، دکتر ملک محمدی، دکتر تاجیک و دکتر سریع القلم نویسنده را در چارچوب بندی پژوهش و ساختارمند کردن آن یاری کرد و حزم و احتیاط را در متن حاضر در مورد به کار بردن اصطلاحات سیاسی غربی و یافتن مصداق های آن در حوزه سیاست و حکومت در ایران، نهادینه کرد. همچنین از مدیریت و کارکنان خدوم و زحمت کش دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی بخصوص سرکار خانم مرنیدی که در طول تحصیل متحمل تمامی مشکلات دانشجویان بوده اند، تشکر می کنم.

دکتر منصور انصاری جزوه مفیدی در ارتباط با نظریات نوسازی و توسعه سیاسی تهیه کرده که تحول مفاهیم و نظریات توسعه را در طول ۴۰ سال مورد نقد و بررسی قرار داده است. بهره گیری من از این جزوه کارآمد کمک بزرگی به مبانی نظری پژوهش حاضر کرد.

آقای حسن میرزاحسینی دوست فاضل و اندیشمندی که وقت زیادی را از خود و خانواده اش صرف کرد تا تحلیل داده های پرسش نامه را با ابزار SPSS انجام دهد. سال ها تجربه در پژوهشگری اجتماعی، از او محقق فرهیخته ساخته، بی شک در آینده از او بیشتر خواهیم شنید. وظیفه ام بود تا از مساعدت های او در تهیه پرسش نامه و تحلیل داده ها تقدیر کنم.

بسیاری از پرسش نامه های پستی بازنگشت، اگر تلاش برخی از دوستان و همکاران نبود، برای جمع آوری پرسش نامه ها مشکلات زیادی به وجود می آمد. بر خود لازم می دانم از زحمات جناب آقای احمد حاجی زاده معاون سیاسی امنیتی استانداری قم تشکر کنم. او با روی باز حاضر شد تا نامه ای رسمی با امضاء خودش برای استانداران سراسر کشور ارسال کند تا بازگشت پرسش نامه ها را افزایش دهد. روش او مؤثر واقع شد و درصد پرسش نامه های بازگشتی افزایش یافت. مهندس فتح ا... حقیقی معاون سابق سیاسی امنیتی استانداری نیز در این راستا کمک شایان توجهی کرد. آقای جواد

خالقی مشاور محترم استاندار قم نیز در این راستا نقش ارزنده ای داشت و با انجام پیگیری های تلفنی بسیاری را مشتاق به پاسخگویی کرد.

دکتر علی تاجرنیا نماینده محترم مجلس ششم زحمات زیادی را متحمل شد تا در نحوه ارسال و تکمیل پرسشنامه های گروه ها و انجمن های اصلاح طلب خللی به وجود نیاید. بی شک تلاشی که او به خرج داد کمتر از مؤلف نبود، به جرأت می توان گفت دلسوزی او به حدی بود که برای گرفتن پاسخ یک پرسشنامه اوقات زیادی را صرف کرد.

حجت الاسلام صابری نماینده محترم مجلس ششم و رئیس وقت میراث فرهنگی استان قم از دیگر دانش دوستانی است که برای متقاعد کردن نخبگان به ارسال جوابیه تلاش بی شائبه ای را مبذول داشت. از او هم تشکر می کنم و اعلام می نمایم که در صورت عدم همکاری ایشان، نمونه آماری پژوهش تکمیل نمی شد.

آقای عباس کوشا همچون سایر دوستان تلاش زیادی کرد تا بتوانم نمونه آماری مناسبی را مورد پرسش قرار دهم. علاقمندی کوشا به مباحث علوم سیاسی و اشتیاق او به نتایج پژوهش نخبگان، اراده مرا دو چندان کرد، تقدیر همه جانبه من از او تنها لحظه ای از تلاش های او را جوابگوست و گرنه با هیچ زبانی نمی توان لطف او و تمامی افرادی که به این پژوهش کمک کردند را پاسخ گفت.

در پایان از خدمات صادقانه خانم لیلا تاجرنیا و آقای حسین دیور در حروف چینی و صفحه بندی تقدیر می کنم. ذکر تلاش های انجام شده، قطره کوچکی است از دریای بیکران الطاف تمامی دوستانی که سهمی در این پژوهش داشته اند. همچنین لازم است از همه نخبگانی که با پاسخ به سؤالات پرسش نامه، اوقات گرانبهایی را صرف خواسته مؤلف کرده اند، تقدیر کنم.

عنوان : توسعه سیاسی و نگرش نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران
۱۳۵۷-۱۳۸۶

دانشجو : حسین معین آبادی
استاد راهنما : دکتر سید علیرضا ازغندی
دوره : دکترای علوم سیاسی (مسائل ایران)
تاریخ ارائه : شهریورماه ۱۳۸۶

چکیده:

توسعه سیاسی در چارچوب دموکراسی از جایگاه مهمی در جامعه شناسی سیاسی برخوردار است. بررسی نگرش نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی نسبت به توسعه سیاسی قدم بزرگی در راه شناخت و آسیب شناسی گذار ایران به دموکراسی است. در این چارچوب به مؤلفه هایی چون آزادی های سیاسی، نهادمندی، پاسخگویی دولت، مشارکت سیاسی، ظرفیت دولت، رقابت سیاسی، قانونمداری، عقلانیت و خردورزی، امنیت سیاسی و روانی و دموکراسی بومی اشاره می شود.

کلمات کلیدی: توسعه سیاسی، نخبگان سیاسی، دموکراسی، آزادی، نهادمندی، دولت، مشارکت، رقابت، قانون، عقلانیت، امنیت سیاسی.

فهرست مطالب

۶	مقدمه
۱۱	تقدیر و تشکر
	فصل اول - کلیات
۱۴	• موضوع توسعه سیاسی و نگرش نخبگان
۱۵	• پیشینه پژوهش
۳۳	• اهداف
	• سؤالات و فرضیه ها
۳۹	فصل دوم - مبانی نظری
۴۰	• نخبه کیست؟
۵۷	• گرایش سیاسی
۷۶	• نظریات نوسازی و توسعه سیاسی
۹۲	• توسعه سیاسی
۱۰۵	• دموکراسی
۱۱۶	• مؤلفه های توسعه سیاسی
۱۱۶	✓ آزادی سیاسی
۱۲۳	✓ نهادمندی و پیچیدگی ساختار اجتماعی
۱۳۷	✓ مسئولیت پذیری و پاسخگویی دولت
۱۴۰	✓ مشارکت سیاسی
۱۶۰	✓ ظرفیت دولت
۱۷۷	✓ رقابت سیاسی
۱۸۶	✓ قانون مداری
۱۹۵	✓ عقلانیت و خردورزی
۲۰۰	✓ امنیت سیاسی و روانی
۲۱۰	✓ دموکراسی بومی
۲۳۴	✓ توسعه اقتصادی و تقویت بورژوازی ملی

۲۷۵	فصل سوم- روش تحقیق
۲۷۶	<ul style="list-style-type: none"> • جامعه آماری ، حجم نمونه و روش نمونه برداری • مقیاس اندازه گیری و ویژگی های روان سنجی آن • مدل تحقیق ، نوع پژوهش و روش های آماری • تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها
۲۹۱	فصل چهارم- تجزیه و تحلیل داده ها
۲۹۲	<ul style="list-style-type: none"> • تجزیه و تحلیل داده ها • توصیف پاسخگویان • توصیف داده ها • تحلیل داده ها
	فصل پنجم- نتیجه گیری
۳۶۱	• نتایج پژوهش
۳۷۸	• پیشنهادات پژوهشگر
۳۸۲	• مشکلات و محدودیت های پژوهش
۳۸۶	• ضمائم
	پیوست ۱
۳۹۸	• منابع

مقدمه

امروزه بحث گذار به دموکراسی از مهمترین موضوعات نظری در جامعه‌شناسی سیاسی است و به جرأت می‌توان گفت بحثی مهمتر از موضوع گذار جوامع به دموکراسی در جامعه‌شناسی سیاسی وجود ندارد. توسعه سیاسی در چارچوب دموکراسی که به طور کلی در گذار به دموکراسی تعریف می‌شود یکی از مهمترین مباحث کشورهای در حال توسعه است. هزاره سوم در اندیشه هانتینگتون مصادف با گسترش دموکراسی در کشورهای جهان است و موج سوم در این هزاره، جهان گستر می‌شود.

تلاش یکصدساله ایرانیان برای تبیین ساختار دموکراتیک قدرت منجر به حوادث تلخ و شیرین بسیاری در ساختار جامعه و قدرت سیاسی شده است. پیروزی مشروطه طلبان در ۱۲۸۵، به توپ بسته شدن مجلس اول توسط لیاخوف روسی و به دستور محمد علی شاه، جنگ جهانی اول و تعطیلی مجلس، کودتای ۲۹ اسفند رضاخان و سید ضیاء الدین طباطبایی، حاکمیت قدرت مطلقه رضا خان تا شهریور ۲۰ و حوادث سیاسی در رژیم پهلوی دوم تا سال ۱۳۵۷ و تعارضات سیاسی بین گروه‌های مختلف پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تجربه گرانبهایی است که با مستندسازی و بهره‌گیری از آثار مثبت و منفی این تلاش‌ها راه را برای موفقیت هموارتر می‌سازد.

قدمت چند هزار ساله فرهنگ پاتریمونیال و پدرسالاری در ایران، نیازمند تلاش و همراهی فراوان مردم و نخبگان حاکم است تا فرهنگ مشارکتی جایگزین فرهنگ تبعی و انفعالی شود. آسیب‌شناسی رفتار و عملکرد نخبگان حاکم نقش به‌سزایی در رسیدن به این هدف دارد.

بر همین اساس پژوهش «توسعه سیاسی و نگرش نخبگان جمهوری اسلامی» به دنبال آسیب‌شناسی نگرش و رفتار نخبگان نسبت به توسعه سیاسی در ایران است. زیرا نقش نخبگان در گذار کشور به دموکراسی مؤثرتر از جامعه است، بر همین اساس این پژوهش با رهیافت نخبه‌گرایانه به دنبال آن است تا نقش مثبتی را در عملیاتی شدن هرچه بیشتر ساز و کار دموکراسی در ایران بازی کند.

از جمله روش‌های بررسی نگرش نخبگان نسبت به توسعه سیاسی، پیمایش یا کار میدانی است که به واسطه فقر این روش در پیمایش‌های علوم اجتماعی، معمولاً مشکلات زیادی برای پژوهشگران به وجود می‌آید و محقق با ناملایمات فراوان روبرو می‌شود. در کشورهای توسعه یافته بهره‌گیری از پیمایش در پژوهش‌های سیاسی و اجتماعی امری مرسوم است و در ایران از این روش در رفتارشناسی سیاسی و نگرش‌سنجی در سطح نخبگان کمتر استفاده شده است.

به واسطه وجود چنین مشکلاتی معمولاً نخبگان فکری و ابزاری کمتر به پرسش نامه‌ها پاسخ می‌دهند و تمایلی برای مصاحبه ندارند. این عدم تمایل نه تنها ناشی از مرسوم نبودن پرسشگری در سطح نخبگان بلکه به علت بی‌توجهی به روش‌های علمی است.

عدم پاسخگویی نه تنها در سطح نخبگان اجرایی بلکه در بین نخبگان دانشگاهی نیز مرسوم است. به طوری که در نظرخواهی از بسیاری از اساتید مطرح علوم سیاسی دانشگاه تهران، شهید بهشتی و تربیت مدرس، حتی یک جوابیه دریافت نشد و هیچ استادی نظری ارشادی برای غنای طرح پژوهشی نفرستاد. لطف چند تن از دوستان دانشجوی دکتری محدودیت در این قضاوت به وجود می‌آورد که بگوییم هیچ فرد دانشگاهی از سه دانشگاه مذکور در پاسخ به سؤالات در پیاب شاخص‌های توسعه سیاسی پاسخی نداد. پاسخ آنان به سؤالات شاخص‌های توسعه سیاسی کمک فراوانی به طرح تحقیق کرد.

برای جمع‌آوری نظرات نخبگان دانشگاهی علاوه بر ارسال نامه‌های پستی اقدام به انجام مصاحبه حضوری شد. مؤلف با پنج تن از اساتید دانشگاه مصاحبه کرده و نقطه نظرات آنان را جویا شد. نظرات آنان کمک زیادی به چارچوب بندی شاخص‌های توسعه سیاسی کرده است به طوری که اعتبار شاخص‌ها توسط این افراد سنجیده شد و نظر مثبتی را نسبت به آن ابراز داشته‌اند. یکی از موضوعات مهم پژوهش اعتبار شاخص‌هاست که توسط محققین و صاحبان اندیشه سنجیده می‌شود، بر همین اساس برای اعتبار یابی شاخص‌ها از نظرات اساتید علوم سیاسی استفاده شده است.

پرسش نامه اولیه با ۸۸ سؤال و در یک نمونه آماری ۷۰ نفری آزمون شد. اعتبار سؤالات پرسش نامه بوسیله نرم افزار SPSS بررسی گردید و سؤالات غیرمرتبط حذف شد و پرسش نامه نهایی به ۷۲ سؤال فرو کاسته شد.

برای بررسی نخبگان جمهوری اسلامی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون (۱۳۸۶-۱۳۵۷) که تعداد آنان بیش از ۶۰۰۰ نفر در دو قوه اجرایی و مقننه است از روش تصادفی استفاده شد به طوری که به صورت مساوی ۳۰۰ نفر از نخبگان دو قوه در نمونه آماری قرار گرفتند. پس از گذشت چندین ماه تنها تعداد محدودی از پرسش نامه‌ها بازگشت. پیگیری‌های انجام شده نتیجه قابل توجهی در بر نداشت. برای تکمیل نمونه آماری و ضیق وقت مجبور شدم روش تصادفی را به روش غیرتصادفی در دسترس تغییر دهم به طوری که برای هر کدام از نخبگان دو قوه که در دسترس بودند و اطلاعاتی در مورد وضعیت فعلی آنان وجود داشت پرسش نامه‌هایی را ارسال کردم. بدیهی است تعداد بسیاری از آنان در حال حاضر بازنشسته بوده و یا به شغل‌های غیردولتی مشغول هستند. برای اطلاع یابی از وضعیت آنان اقدام به جمع‌آوری اطلاعات از دوستان و مسئولین فعلی نمودم.

توسعه سیاسی و نگرش نخبگان

از برخی از دوستان که دارای مسئولیت بودند کمک خواستم تا آنان بتوانند با توضیح موضوع پژوهش و اینکه این طرح در راستای اخذ دکتری است، نخبگان را متقاعد نمایند تا به پرسش نامه ها پاسخ دهند. این ایده هم باعث شد تا تعدادی از پرسش نامه ها باز گردد. برقراری ارتباط با نمایندگان مجلس هفتم، مذاکره با معاونت پژوهشی مجلس و نامه به روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، هیچ گره ای را ننگشود، گویا بی توجهی به درخواست پژوهشگران در تمامی ساختارها نهادینه شده است.

مجبور شدم برای پاسخ به پرسش نامه ها به محافل سیاسی جناح راست و چپ سرکشی کنم و از آنان بخواهم تا به پرسش نامه ها پاسخ دهند. دوستان زیادی در این راه بسیج شدند و کمک شایان توجهی به من کردند تا اینکه پس از ۶ ماه تلاش موفق شدم ۲۶۰ پرسش نامه بدون نقص گرد آورم. بی شک برای هر کدام از این پرسش نامه ها وقت زیادی صرف شده و با انجام پیگیری های فراوان تعدادی از نخبگان جمهوری اسلامی به پرسش نامه های پاسخ گفتند.

ذکر این نکته ضروری است که جامعه آماری پژوهش، نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی است و مصاحبه و یا نظرسنجی با آنان به مراتب با مشکلات بیشتری همراه است و همین مشکلات باعث شد که نمونه آماری پیش بینی شده با ۴۰ نفر کمتر انجام شود یعنی تحلیل داده ها با ۲۶۰ نفر از نخبگان صورت گرفت.

نزدیک به یک ماه پس از انجام تمامی پیگیری ها منتظر شدم تا نمونه آماری کامل شود ولی هیچ پاسخی داده نشد و مجبور شدم تحلیل پرسش نامه ها را با همان ۲۶۰ پاسخ نامه معتبر انجام دهم. عدم پاسخگویی به پرسش نامه ها چنان گسترده بود که چند تن از اساتید دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی که سابقه مدیریت اجرایی در دولت های گذشته و فعلی را داشته اند نسبت به پاسخ اقدام نکردند، علی رغم اینکه این تحقیق بوسیله یکی از دانشجویان دکتری همان دانشکده انجام می شد. دلایل زیادی باعث شد تا نخبگان نسبت به پرسش نامه های علمی بی توجهی کنند. شلوغی کارهای روزانه و عدم وقت کافی، بدبین بودن به پرسش نامه های پستی، رایج نبودن و عمومیت نداشتن روش پرسش از نخبگان سیاسی کشور بوسیله ابزار پرسش نامه، بحث برانگیز بودن موضوع توسعه سیاسی و برخی عوامل دیگر باعث شد تا مدت زمان زیادی صرف جمع آوری پرسش نامه ها و اقناع نخبگان نسبت به پاسخگویی شود. مساعدت و همراهی برخی دوستان مسئول و تشویق سایرین به پاسخگویی باعث شد تا در روند بازگشت پرسش نامه ها تسریع شود. در صورت عدم برقراری رابطه با مسئولین، درصد پاسخ به پرسش نامه ها بسیار کاهش می یافت. در این میان دوستان و آشنایان نقش به سزایی بازی کرده و درصد زیادی از پرسش نامه ها به واسطه پیگیری آنان بازگشت و گرنه تلاش محقق بی نتیجه بود.

پژوهش «توسعه سیاسی و نگرش نخبگان جمهوری اسلامی ایران» شامل پنج فصل است. در فصل اول به کلیات پرداخته می شود. در این فصل موضوع توسعه سیاسی و نگرش نخبگان و تأثیر ساخت دولت بر توسعه جامعه مورد بررسی

قرار می‌گیرد. نخبگان به عنوان سرآمدان نظام سیاسی و حاکم بر اریکه قدرت و بوروکراسی کشور نقش مهمی را در این فرآیند بازی می‌کنند.

مبانی نظری فصل دوم پژوهش را به خود اختصاص داده است. این فصل شامل نظریات مختلف راجع به توسعه سیاسی و دموکراسی است. توسعه سیاسی مدنظر این تحقیق در چارچوب دموکراسی معنا می‌یابد، بنابراین اچشم اندازی از دموکراسی و رعایت حقوق انسانی و شهروندی ارائه می‌شود. مؤلفه های توسعه سیاسی که شاکله و شاخص های توسعه سیاسی را تشکیل می‌دهند و به عنوان متغیرهای تحقیق حاضر هستند، در این بخش واکاوی شده و به نظرات و تئوری های اندیشمندان سیاسی در باب ضرورت مؤلفه های توسعه اشاره می‌شود.

روش انتخاب نمونه، جامعه آماری، روش های تجزیه و تحلیل داده ها و تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها و دسته بندی سؤالات نهایی پرسش نامه، فصل سوم پژوهش را به خود اختصاص داده است. در این فصل اعتبار پرسش نامه پژوهش مورد بررسی قرار گرفته و پس از انجام پیش تست، سؤالات غیرمرتبط و کم اعتبار حذف شده است. توضیح این عملیات در فصل سوم موجود است.

فصل چهارم به تجزیه و تحلیل داده ها، توصیف پاسخگویان، توصیف داده ها و تحلیل داده ها اختصاص دارد. در این فصل با بهره گیری از جداول و توزیع فراوانی داده ها، به توصیف دستاوردهای پژوهش پرداخته می‌شود.

نتیجه گیری در فصل پنجم پژوهش آمده است. در این قسمت دستاوردهای پژوهش تجزیه و تحلیل شده و راهکارهایی به عنوان پیشنهاد پژوهشگر ارائه شده است. بهره گیری از نتایج پژوهش حاضر گام مثبتی در اصلاح عملکرد نظام سیاسی و نخبگان حاکم است. این بخش با نگاهی آسیب شناسانه، رفتار سیاسی نخبگان را تحلیل می‌کند و برای بهبود ساز و کار دموکراسی در کشور راهکارهایی ارائه می‌دهد.

نگاه نقادانه پژوهشگران به دستاوردهای پژوهش « توسعه سیاسی و نگرش نخبگان جمهوری اسلامی » گامی بلند در راستای اصلاح رفتار سیاسی در ایران است. بر همین اساس از تمامی دانش دوستان و فرهیختگان تقاضا دارم تا با قلم نقد، ناراستی های پژوهش را تذکر دهند.

فصل اول - کلیات

- موضوع توسعه سیاسی و نگرش نخبگان
- پیشینه پژوهش
- اهداف
- سؤالات و فرضیه ها

موضوع توسعه سیاسی و نگرش نخبگان

توسعه مفهومی است توسعه نیافته، اتفاق نظری بین دانشمندان در مورد تعریف این واژه و شاخص های آن وجود ندارد. به واسطه عدم وجود تعریف غالب، اندیشمندان با توجه به تجربیات، نیازهای تاریخی و علائق بومی و منطقه ای، توسعه را تعریف کرده و آنرا با رهیافت های اقتصادی، انسانی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... مورد بررسی قرار داده اند. وجود رهیافت های گوناگون منجر به پیچیدگی بیشتر ادبیات توسعه شده و ارائه الگوهای تجربه شده توسط کشورهای توسعه یافته و تبیین مدل خطی مبتنی بر قوم گرایی و غرب محوری برخی اندیشمندان غرب که وضعیت موجود کشورهای پیرامونی و در حال توسعه را گذشته غرب و آینده این جوامع را وضعیت موجود غرب می دانند منجر به موضع گیری برخی اندیشمندان در کشورهای در حال توسعه شده است. صاحبان اندیشه در این کشورها الگوهای پیشنهادی مبنی بر طی کردن راه غرب و رسیدن به جایگاه کشورهای توسعه یافته را امری غیرممکن برای کشورهای غیر غربی دانسته و معتقد به راه بومی و الگوهای ویژه هر کشور برای رسیدن به توسعه می باشند.

به طور کلی توسعه پدیده ای قهری و پیچیده است که دارای ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و انسانی که با تحولاتی چون تغییر اجتماعی، افزایش و تسهیل ارتباطات، فرآیند مستمر انتقال از دنیای کهنه به دنیای نو، فرآیند شکل گیری دولت، گسترش ظرفیت نظام اجتماعی در تأمین نیازهای محسوس جامعه، دولتمداری و یکپارچگی سرزمین و شکل گیری ملیت یا یکپارچگی ملی، وحدت و انسجام اجتماعی و همگرایی در درون ساختار حکومتی و ... همراه است.

از دیدگاه زبان شناسی و براساس رهیافت گفتمانی، توسعه دچار تحول مفهومی گسترده ای است به طوری که تئورهای توسعه در ابتدا متأثر از مکتب لیبرالیسم و با تمرکز بر اقتصاد، با محدود کردن مفهوم توسعه به کشورهای در حال توسعه و در عین حال، گرفتن کشورهای صنعتی موجود غربی به عنوان مدل خود از جامعه توسعه یافته امروزی چنان که گویی این کشورها به مرکز توسعه تاریخی خود رسیده اند (توسعه خطی) و دیگر اینکه با تمرکز و توجه به رشد اقتصادی و نادیده گرفتن جنبه های دیگر توسعه، آنرا محدود ساختند. اما اخیراً به ویژه از زمان دگرگونی های اجتماعی و سیاسی دهه ۱۹۶۰ به بعد این گونه تئورهای توسعه گسترده ای مورد انتقاد قرار گرفته است. مفهوم توسعه دوباره وسعت یافته به طوری که علاوه بر ویژگی های اقتصادی، ویژگی های اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر می گیرد و توجه بیشتری به توسعه به عنوان جریان جهانی که در آن روابط متقابل نزدیکی بین رویدادها در مناطق مختلف وجود دارد، معطوف شده است. در عین حال شناخت فرآیندهای از این واقعیت وجود داشته که توسعه می تواند در زمینه های گوناگون فرهنگی و سیاسی

مسیرهای متفاوت در پیش گرفته و متوجه هدف های متفاوت باشد (باتامور: ۱۹۲۰، صبور کاشانی: ۱۳۷۸، ۱۶۳-۱۶۲). بر همین اساس تئوری های توسعه نیز مانند برخی تئوری های مارکسیستی و لیبرالیستی غیرقطعی گردیده اند. از بین جنبه های مختلف توسعه، توسعه سیاسی به عنوان یکی از شاخه های توسعه مورد توجه این پژوهش می باشد. همچون توسعه، واژه توسعه سیاسی نیز دارای تعاریف مختلف است و رهیافت های گوناگونی نیز برای بررسی آن به کار رفته است. روش های بررسی توسعه سیاسی یکسان نیست زیرا همگونی در الگوی توسعه سیاسی کشورها وجود ندارد. به همین علت هر کشور می تواند راه خاص نوسازی سیاسی خود را پیگیری کند و تعمیم الگوهای توسعه سیاسی اروپا به سایر کشورها، خطرناک است. باید به تنوع الگوهای توسعه سیاسی و خاص بودن تجربه هر کشور توجه داشت، اما برخی اصول جوهری در توسعه سیاسی وجود دارد که در تمامی جوامع انسانی مشترک است. اصولی چون رعایت حقوق شهروندی، پاسخگویی دولت، تقویت جامعه مدنی و نهادهای دموکراتیک، انتخابات آزاد همراه با رقابت سالم و آزادی های سیاسی چون بیان، مطبوعات و حق تشکیل اجتماعات. برخی از اندیشمندان نیز این اصول مشترک را به چهار دسته عرصه ساخت سیاسی، عرصه فرهنگ سیاسی، عرصه رفتار سیاسی و عرصه اقتدار دولت (حجاریان: ۱۳۷۹، ۳۶۶-۳۶۴) همراه با برخی شاخص ها تقسیم کرده اند. این مؤلفه ها به عنوان اصول مشترک در تمامی ساخت های قدرت و فرهنگ های سیاسی نیازمند نهادینگی است تا باعث ایجاد تعامل دموکراتیک ساخت جامعه با ساخت قدرت شود.

عرصه مطالعه توسعه سیاسی به پهنآوری و گستردگی رشته علوم سیاسی است زیرا در این روند موضوعات گوناگونی چون سیاست های تطبیقی، تئوریهای سیاسی، اداره امور روستا، جامعه شناسی سیاسی و فرهنگ در معرض مطالعه و پژوهش قرار می گیرد.

مقوله توسعه سیاسی به مفهوم مدرن آن از اواخر دهه ۱۹۵۰ در چارچوب مطالعه سیاست های تطبیقی مورد توجه اندیشمندان علوم سیاسی قرار گرفت. اگرچه این مفهوم قبل از این دهه نیز مطرح بوده ولی دیدی خوشبینانه نسبت به آن وجود نداشته است. پس از جنگ دوم جهانی به علت استقرار نظام دو قطبی غرب و شرق، گسترش جنبش های سوسیالیستی و نهضت های رهایی بخش و استقلال طلبانه کشورهای مستعمره، افزایش تعداد کشورهای دارای حاکمیت ملی و شکل گیری جنبش عدم تعهد، با دیدی خوش بینانه به توسعه سیاسی نگرسته شد و فعالیت های پژوهشی زیادی برای بررسی آن به عمل آمد. تحقیقات میدانی و بررسی نگرش شهروندان کشورهای مختلف، بررسی تطبیقی سیاست و حکومت در کشورها و توجه به امور انسانی و حقوق بشر از دستاوردهای پژوهشی سال های اواخر دهه ۵۰ تاکنون است که مطالعه توسعه سیاسی از چارچوب تنگ مطالعات صرفا اقتصادی خارج شد و توجه اندیشمندان از پارامترهای اقتصادی به سوی پارامترهای سیاسی و اجتماعی معطوف گشت (قوام: ۱۳۷۱، ۷).

در این راستا مکاتب مختلفی به وجود آمد و به نظریه پردازی در مورد توسعه سیاسی پرداخته شد و الگوهای متنوعی ارائه گردید. از جمله نظریات توسعه سیاسی می توان به نظریه همبستگی که مبتنی بر الگوی کارکردی یا فونکسیونالیسم است و دیگری الگوی دترمینیستی یا علمی اشاره کرد که در الگوی همبستگی، توسعه سیاسی دارای همبستگی با بخش های دیگر جامعه است. در این الگو بخش های مختلف جامعه نمی تواند از لحاظ سطح توسعه فاصله زیادی با یکدیگر داشته باشد. به طوری که مارتین لیپست میان توسعه سیاسی (در چارچوب دموکراسی) و عوامل اجتماعی و اقتصادی رابطه همبسته قائل است. جیمز کلنن نیز میان سطح توسعه اقتصادی و میزان توسعه سیاسی (به معنی گسترش رقابت میان گروه ها) رابطه همبستگی مثبت برقرار می کند. فلیپ کاتریت توسعه سیاسی به معنای دموکراسی غربی را با توسعه سینستم آموزش، نهادهای اقتصادی، سیستم ارتباطاتی و میزان شهرنشینی و نحوه توزیع نیروی کار دارای رابطه همبستگی می داند. میدلر و سیمپسون نیز با رهیافتی اقتصادی بین توسعه سیاسی با سطح توسعه اقتصادی، یا سطح درآمد، سواد و مشارکت رابطه مثبت برقرار می کنند.

در نظریه دترمینیستی یا علمی توسعه سیاسی تابعی از گسترش شهرنشینی، اقتصاد شهری و یا دیگر عوامل تلقی می شود به طوری که دانیل لرنر معتقد است مشارکت سیاسی متضمن وقوع توسعه شهرنشینی، توسعه آموزش عمومی و توسعه وسایل ارتباطی است. مک کرون و کراد نیز گسترش شهرنشینی را عامل توسعه بخش آموزش و توسعه ارتباطات می دانند که در آخر به توسعه سیاسی منتهی می شود. ریموند تانتر یکی دیگر از اندیشمندان نظریه علمی است که شهرنشینی را باعث بسیج اجتماعی و توسعه اقتصادی می داند که منجر به توسعه سیاسی در یک کشور می شود. (بشیریه: ۱۳۸۰، ۱۸). نظریه علمی یا دترمینیستی با تأکید بر عوامل غیرسیاسی، به ساخت قدرت، دولت و دیوان سالاری توجهی نمی کند و به همین علت نمی تواند نظریه ای دقیق و متقاعد کننده در مورد توسعه سیاسی ارائه نماید.

حداقل ده رهیافت برای بررسی توسعه سیاسی وجود دارد و اندیشمندان توسعه تاکنون نتوانسته اند رهیافت مشترکی برای بررسی توسعه سیاسی ایجاد کنند (Palmer:1987.7) به همین علت به این پرسش نمی توان پاسخ گفت که توسعه سیاسی از کجا شروع می شود و به کجا خاتمه می یابد زیرا نظرات بسیار متنوعی در این راستا وجود دارد.

رونالد چیلکوت معتقد است که در متون مربوط به توسعه سیاسی روی آثار سیاسی توسعه تکیه شده و توسعه سیاسی و اقتصادی از یکدیگر تفکیک می گردند. نوشته های مربوط به توسعه سیاسی دست کم به سه دسته تقسیم می شوند اول، نوشته های مرتبط با مفهوم دموکراسی، دوم نوشته های معطوف به ایجاد توسعه و دگرگونی سیاسی و سوم نوشته های مربوط به بحران ها و عواقب توسعه سیاسی (چیلکوت: ۱۹۸۱، ترجمه بزرگی و ...: ۱۳۷۷، ۴۱۴).

کارل فریدریک، جیمز بریس، لوسین پای، سیمور مارتین لیپست و آرتور اسمیت از نظریه پردازان گروه اول هستند که در مجموع به پارلما نتاریسم، انتخابات، تکثرگرایی، نظام های سیاسی چند حزبی و نظام سیاسی رقابتی، اقتدار قانونی نظام یافته، آزادی مطبوعات، توسعه اقتصادی و مشروعیت سیاسی به عنوان شاخص های توسعه سیاسی تاکید دارند.

اندیشمندان گروه دوم میان تغییر و توسعه سیاسی ارتباط برقرار می کنند. کار فرد ریگز، لوئیس کوزر و رابرت نیست از اندیشمندان این نظریه هستند که به نظریه های تغییر و تحول، کشمکش اجتماعی، فراز و نشیب های تغییر در جوامع مختلف و تغییر و تحول به عنوان نیاز طبیعی انسان ها و جوامع توجه نموده اند.

گروه سوم شامل افرادی چون لئوناردو بایندر، جیمز کلین، لاپالومبارا و سیدنی وریا هستند که به کارکردهای اجتماعی در مسیر توسعه سیاسی مانند پدیده ظرفیت اجتماعی و سیاسی، عدالت و تقسیم امکانات و منابع و نهایتاً به طبقات اجتماعی - سیاسی پرداخته اند، شیوه های تقسیم قدرت، رقابت در کسب قدرت و برخورد هیئت های حاکم با بحران مشروعیت سیاسی از دیگر موضوعات مورد مطالعه این گروه از محققین است.

برخی توسعه سیاسی را از جهت اهداف و غایت توسعه به دو دسته اصلی تقسیم کرده اند دسته اول نظریات (خواه قدیم یا جدید) که تکامل یا تقویت یا گسترش دولت را مهم ترین شاخص توسعه سیاسی می دانند و دوم نظریاتی که تکامل و تقویت و گسترش توانایی های جامعه مدنی را شرط تحقق توسعه تلقی می کنند. در اندیشه سیاسی غرب درون سنت اول دیدگاه متفکرانی مانند هگل درباره دولت، نظریه وبر درباره بوروکراسی، بخشی از نظریه مارکس درباره ضرورت استفاده از دولت در گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و نیز برخی از تئوری های محافظه کارانه و کوتاه برد معاصر مانند نظریه کارآیی دولت، نهادمند شدن حوزه زندگی سیاسی، ثبات سیاسی و جزء آن جای دارد.

در درون دسته دوم می توان نظریات مختلف آنارشیسم کلاسیک، سندیکالیسم، برخی از نحله های سوسیالیسم تخیلی، بخشی از نظریه مارکس درباره جامعه آرمانی بی دولت (در آنجا که دولت را به عنوان واسطه ای میان انسان و آزادی انسان توصیف می کند) گرایش های نولیبرالی و نوآنارشیستی و نظریه انتقادی نوین را نام برد. در دیدگاه اخیر به تقویت نیروهای اجتماعی، مخالفت با تمرکز قدرت و مالکیت، تکوین و تکامل فعالیت آزاد تشکیلات جامعه مدنی به عنوان حوزه اصلی آزادی های مختلف فردی، تضعیف ساخت سلطه و اجبار و ترس از قدرت سیاسی، مخالفت با برنامه ریزی متمرکز، به حداقل رساندن کار ویژه های دولتی، رقابت کامل (فکری، سیاسی، اقتصادی، تساهل، خشونت زدایی از زندگی اجتماعی، گسترش توانایی های کلامی برای ترغیب و اقناع عقلانی، عقلانی شدن روابط اجتماعی، گسترش ارتباطات عقلانی و بین الاذهانی به جای روابط آمرانه، تغییر در روابط انسانی، کاهش پتانسیل اجبار و سلطه یا به حداقل رساندن کاربرد زور و جز آن تاکید گذاشته می شود (بشپریه: ۱۳۷۴، ۱۶۲-۱۶۱).

به طور کلی توسعه سیاسی در چارچوب دموکراسی، در عمده ترین وجه خود به دنبال محدود کردن اختیارات دولت است و محدود کردن اختیارات دولت با تفکیک حوزه جامعه و دولت آغاز می شود.

این پژوهش تکامل و تقویت و گسترش توانایی های جامعه مدنی را شرط تحقق توسعه سیاسی می داند و براساس تقسیم بندی سه گانه رونالد چیلکوت، توسعه سیاسی را با رویکرد دموکراسی و تقویت ساخت جامعه می نگرد به دیگر عبارت، توسعه سیاسی در مفهوم مورد نظر در چارچوب دموکراسی و تقویت جامعه مدنی است. اهمیت توسعه سیاسی در چارچوب دموکراسی حتی مورد تاکید برخی از اندیشمندان اقتصاد گرای نظریه وابستگی چون آندره گوندرفرانک، کاردوسو، نالتو و سمیرامین نیز قرار گرفته است به طوری که توسعه سیاسی را با رهیافتی اقتصادی مورد بررسی قرار داده اند و چهار گام اساسی را ضرورت توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه می دانند: تغییر مسیر گرایش توسعه از خارج به داخل، جابه جایی در ترکیب قدرت، گرایش به اقتصاد داخلی و توسعه سیاسی به مفهوم آگاهی توده مردم و امکان غلبه بر عقب ماندگی علمی - تکنیکی و فرهنگی حاکم بر کشور (سیف زاده: ۱۳۷۲، ۲۲۰). بدیهی است توجه اندیشمندان اقتصادی به حوزه سیاست نشان از اهمیت ساز و کار سیاسی در رفع مشکلات و محرومیت های اقتصادی است.

در تعریف توسعه سیاسی هر کس بنا به رهیافت خاص خود به شاخص هایی تاکید داشته و برخی از مولفه ها را برجسته می کند.

لوسین پای تعاریف توسعه سیاسی را به ۱۰ دسته تقسیم می کند که اندیشمندان سیاسی با توجه به نوع رهیافت های متفاوت، توسعه سیاسی را چارچوب بندی کرده اند. در این تعاریف ده گانه به عواملی چون توسعه صنعتی و اقتصادی، کارآیی بالای نظام سیاسی، جایگزینی الگوهای رفتار نوین به جای الگوهای رفتار سنتی، افزایش ظرفیت نظام برای پاسخگویی و تشکیل منابع داخلی و کسب قدرت ملی و دموکراسی به عنوان حاکمیت مردم و وجود نهادهای آزاد اشاره می شود.

کارل دوویچ معیار عمده توسعه سیاسی را، تحرک اجتماعی می داند که براساس آن مردم الگوهای رفتار سنتی را رها کرده و الگوهای جدید را می پذیرند. رکان در تعریف توسعه سیاسی از کنش متقابل بین اعمال نفوذ مرکز در بطن جامعه و پاسخ پیرامون به این مداخله سخن می گوید. ایزنشتات به ساختارهای تنوع یافته و تخصصی و توزیع اقتدار در کلیه بخش ها و حوزه های جامعه اشاره می کند و آلموند و جیمز کلمن تغییر نظام های سنتی غیرغربی و اخذ ویژگی های جوامع توسعه یافته را توسعه سیاسی می داند (قوام: ۱۳۷۹، ۲۱-۱۹). هانتینگتون با رهیافتی دولت گرا و با تاکید بر ساخت قدرت، توسعه سیاسی را پیچیدگی، نهادمندی و تقویت دولت می داند و دیوید ساندرز نیز توسعه سیاسی را میزان نفوذ دولت در جامعه تعریف می کند (ساندرز، بی تا، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی: ۱۳۸۰، ۳۵۴).